

تحلیل حقوقی مبانی و عوامل نقض‌های سیستمی حقوق شهروندی در ایالات متحده امریکا

سید محمدمهدی غمامی¹

پذیرش مقاله: 1399/10/19

دریافت مقاله: 1399/09/24

چکیده

ایالات متحده امریکا در زمره کشورهای است که سایر کشورها را به دلایل حقوق بشری و رعایت نکردن آزادی‌های شهروندی، تحت پایش، گزارش‌دهی و تحریم قرار می‌دهد، درحالی‌که وضعیت حقوق شهروندی در آن کشور به‌رغم تحولات تقنینی بیش از یک‌صد سال اخیر همواره با مجموعه‌ای از نقض‌های سیستمی همراه بوده است. در این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از اسناد حقوقی، قوانین، مقررات عمومی و آمار به این پرسش پاسخ می‌دهیم که عوامل نقض حقوق شهروندی در ایالات متحده امریکا از نظر حقوقی، مبانی و چیست؟ عمده دلیل به ساختار متعارض و تبعیض ذاتی قانون اساسی و قوانین داخلی برمی‌گردد که به نقض‌های سیستمی حقوق شهروندی در ایالات متحده امریکا انجامیده است و در عمل مانع الگوگیری از این نظام حکمرانی به جهت بحران مشروعیت ناشی از نقض حقوق بنیادین و مشروع افراد شده است.

واژگان کلیدی: ایالات متحده امریکا، قانون اساسی، قوانین فدرال، حق‌های مدنی، حقوق شهروندی.

1. استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشگاه امام صادق (ع)؛ / ghamamy@isu.ac.ir

مقدمه

براساس اسناد حقوق بشری بین‌المللی همه کشورهای موظفند حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی فرهنگی پایه را برای شهروندان خود فراهم کنند (Sriram & others, 2014: 39). در غالب کشورهای مردم‌سالار، الزامات مندرج در قوانین و اصول کلی حقوقی ملی، ظرفیت‌های کامل‌تری از این حقوق را در قالب‌های بومی و براساس برداشت‌های فلسفی خود شناسایی، صیانت و تضمین کرده‌اند تا شهروندان آن‌ها از حقوق و آزادی‌های تضمین‌شده، عادلانه و مطابق اصل حاکمیت قانون بهره‌مند شوند. این حقوق و آزادی‌های اخیر در بستر نظام حقوقی ملی را حقوق شهروندی می‌گویند (Beaumont, 2003: 97). این حقوق در قوانین، مقررات عمومی و اصول حقوقی بیان شده است و ساختارها از این الزام‌ها، عرف‌های اساسی و رویه‌های سیاسی و قضایی اثر می‌پذیرند؛ باوجوداین ممکن است فهم از هنجارها، وابسته به تاریخ و مسائل اجتماعی، متفاوت از الفاظ قوانین باشد و به همین دلیل ساختارها و رفتارها نیز مبتنی بر درک‌های متفاوت از الفاظ و متون نوشته‌شده شکل می‌گیرند؛ بنابراین کاملاً طبیعی است که بین سطح هنجارها و دو سطح ساختاری و عملکردی شاهد شکاف‌های عمیق باشیم؛ به‌ویژه در نظام‌های حقوقی که تحولات حقوق بشری جلوتر از پارادایم‌های ذهنی و عادات اجتماعی خشن و نژادپرستانه نهادینه شده است؛ یعنی درحالی‌که قوانین متعددی از جمله مندرجات تبعیض‌آمیز آن‌ها لغو شده‌اند، نظام قضایی و ساختار عملکردی دولت همچنان کلیشه‌های خشن و تبعیض‌آمیز گذشته خود را بازتولید و اجرایی می‌کنند و نمونه‌های آن با اعلام برائت دادگستری ایالات متحده دربارهٔ مأموران خشن پلیس، ارتش و دستگاه‌های دولتی از جمله اداره مهاجرت، اقدام به شکنجه، تجاوز، قتل و نقض حقوق بنیادین افراد کرده‌اند. نمونه‌های متعدد از جمله¹ کشتن جرج فلویید² سیاه‌پوست با تکنیک «پا روی گردن»³ به مدت هشت دقیقه توسط مأمور

1. در 9 اوت 2014 در شهر فرگوسن امریکا، نوجوانی به نام مایکل براون پس از آنکه حداقل شش مرتبه هدف شلیک گلوله قرار گرفت، جان باخت. براون مسلح نبود و سوءسابقه نیز نداشت. این حادثه ناآرامی‌های زیادی را در شهر فرگوسن و سایر ایالت‌های جنوبی برافروخت، بیشتر به این دلیل که معترضان، نژادپرستی و تبعیض ساختاریافته را عاملی دخیل در تیراندازی می‌دانستند. سازمان عفو بین‌الملل در این زمینه گزارش داد براون مسلح نبود؛ پس بعید بود که او تهدیدی جدی علیه پلیس باشد (Internationa Amnesty, 2014).

2. George Floyd's Death
3. Chokeholds

پلیس سفیدپوست درک شوین^۱ در 25 می 2020 بود. تکنیکی که توسط مأموران زیاد اعمال می‌شود و از نظر رییس‌جمهور ترامپ، در مواردی لازم است و پلیس باید با افراد بد چنین رفتاری داشته باشد (Beauchamp, 2020). در فاصله کمی از ماجرای قبلی، شلیک هفت گلوله به سیاه‌پوست دیگری با نام جیکوب بلیک^۲ در مقابل چشم خانواده، نشان از نژادپرستی و تبعیض ساختاریافته در ساختار دولت به‌ویژه پلیس دارد.

به عقیده ترامپ، این اقدام از آن رو است از نظر او «امریکایی‌ها خواستار نظم و قانون هستند»^۳ و بدین ترتیب در قالب یک پارادایم ذهنی حاکم بر حکمرانی امریکایی، نظم امریکایی با اقدامات شدید پلیسی محقق می‌شود؛ حتی اگر به قتل و خشونت افراد بیانجامد (Kelly & Naylor, 2020). اظهارات رییس‌جمهور به‌وضوح مغایر اصلحیه چهارم قانون اساسی ایالات متحده امریکاست؛ چراکه «استفاده بیش از حد از نیروی غیرقابل‌توجه، بیش از حد غیرقانونی و کشنده» مطلقاً ممنوع است. این روش اغلب در قبال اقلیت‌ها و مخالفان دولت به صورت شایع مورد استفاده قرار می‌گیرد و این همان شکاف پربسامد در نظام حقوقی امریکا محسوب می‌شود. با تبیین واقعیت این ساختار حقوقی، پرسش این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی بررسی هنجارها، ساختارها و رویه‌ها عبارت است از اینکه «از حیث حقوقی مبانی و عوامل نقض حقوق شهروندی در ایالات متحده امریکا کدام است؟»

پیشینه این تحقیق در آثار فارسی متمرکز بر نقض حقوق بشر و شهروندی در داخل امریکا، ضعیف است؛ هرچند انتظار می‌رود تحقیقات و بررسی‌های حقوقی به‌روز و متنوعی در این حوزه چه از منظر مبانی و هنجاری و چه ساختاری و رفتاری صورت گرفته باشد. برخی از محدود کارهای انجام‌شده که البته صبغه تحلیل وضعیت داخلی حقوق بشر و شهروندی در ایالات متحده امریکا مورد توجه‌شان بوده است عبارتند از:

1. مقاله «چالش‌های حقوق بشری و شهروندی در مبارزه با تروریسم (مطالعه موردی نظام حقوقی ایالات متحده امریکا و جمهوری اسلامی ایران)»، مندرج در فصلنامه شماره 33 فصلنامه آفاق امنیت که به نقض حقوق بشر و شهروندی ناشی از قوانین ضد تروریستی در امریکا پرداخته است؛
2. مقاله «ارزیابی وضعیت حقوق بشر در نظام نومحافظه‌کاری (مطالعه موردی: ایالات متحده

1. Derek Chauvin
2. Jacob Blake
3. Americans Demand Law and Order

امریکا) که در شماره 2 مجله سیاست (دوره 46) به نقض حقوق سیاه‌پوستان، زندانیان و شهروندان، فقرا، مهاجران، زنان و حمله موشکی پهپادهای امریکایی به غیرنظامیان پاکستانی و یمنی توسط دولت امریکا پرداخته است؛

3. مقاله «اقدامات سیستماتیک امریکا در نقض حقوق بین‌المللی و حقوق بشر: مطالعه موردی حمله امریکا به فلوجه و نقض کنوانسیون ژنو» که در شماره 4 (پیاپی 15) فصلنامه پژوهشنامه حقوق بشری با رویکرد نقض اسناد بین‌المللی حقوق بشری توسط دولت ایالات متحده امریکا نگارش یافته است؛

4. مقاله قدرت‌های بزرگ و نقض رژیم‌های بین‌المللی حقوق بشر که در فصلنامه سیاست خارجی، مندرج در شماره دوره 25 سال 1390، براساس اسناد حقوق بشری، مجموعه‌ای از نقض حقوق بشر بین‌الملل توسط ایالات متحده امریکا و رژیم اسرائیل و برخی دیگر از کشورها را مورد مطالعه قرار می‌دهد و کمتر به مباحث حقوق بشر داخلی و حقوق شهروندی می‌پردازد؛

5. گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی که نه به طور منظم و صرفاً براساس تقاضای نمایندگان، تحت عناوینی «مصادیق نقض حقوق بشر توسط امریکا» (1395)، «نقض سیستماتیک حقوق بشر و بشردوستانه در امریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان» (1389)، «گزارش نقض حقوق بشر در ایالات متحده در سال 2008» (1388) و «خبرنامه «حقوق بشر» که در 6 شماره و تا سال 1391 توسط دفتر سیاسی منتشر شده است.

1. مبانی هنجاری حقوق شهروندی در ایالات متحده امریکا

حقوق و آزادی‌های عمومی در ایالات متحده شامل مجموعه‌ای از حقوق است که به طور قانونی توسط قانون اساسی ایالات متحده مصوب 1789 (به‌ویژه منشور حقوق)، قانون اساسی ایالت‌ها، معاهدات و حقوق بین‌الملل عرفی، قوانین مصوب کنگره و قانون‌گذاران ایالتی، همه‌پرسی‌های دولت و ابتکارات شهروندان مستقر شده و دیوان عالی و نظام قضایی از آن صیانت می‌کند. مطابق قانون اساسی دولت فدرال، حقوق اجتناب‌ناپذیر شهروندی برای مردم امریکا و در مواردی غیرشهروندان تضمین شده است. مطابق متمم چهارم قانون اساسی امریکا که در ایام ناامنی در 1791 به تصویب قانون‌گذار اساسی امریکا رسیده است: «حق امنیت جان، مسکن، اوراق و اسناد و مصونیت دارایی‌های مردم در برابر تفتیش و توقیف غیرموجه تضمین می‌شود و هیچ‌گونه حکم بازداشت

اشخاص یا توقیف اموال صادر نمی‌شود؛ مگر بر پایه دلیلی محتمل با سوگند یا اعلام رسمی و محل مورد تفتیش و اشخاص یا اموالی که باید توقیف شود، دقیقاً باید مشخص شود». حدود صد سال بعد در بخش اول اصلاحیه سیزدهم (1871) نشانه‌هایی از نفی تبعیض هنجاری - و نه رفتاری - مشاهده شد: «ایالات متحده یا هر ایالت دیگر حق رأی شهروندان ایالات متحده را به سبب نژاد، رنگ یا شرایط سابق بردگی، نفی یا محدود نمی‌کند». با وجود این، برخی اصلاحیه‌ها¹ هیچ‌گاه به تصویب نرسید و در حد پیشنهاد باقی ماند. این حقوق با گذشت زمان از طریق اصلاحات قانون اساسی، قانون‌گذاری و نظارت قضایی تکامل یافت. در ایالات متحده، دادگاه‌های فدرال صلاحیت قوانین بین‌المللی حقوق بشر را دارند.

هرچند قانون اساسی ایالات متحده آمریکا سند هنجاری به نوبه خود برجسته‌ای در حوزه حقوق بشر داخلی و شهروندی است، ولی از یک سو واکنشی به نقض سازمان‌یافته حقوق بسیاری از امریکایی‌ها به‌ویژه به واسطه تبعیض در قلمروهای مختلف نسبت به بومیان، سیاه‌پوستان، لاتین‌تبارها، زنان و غیره است؛ و از سوی دیگر به‌مرور توسط بسیاری از قوانین عادی همانند قانون میهن‌پرستی (26 اکتبر 2001)، قانون امنیت میهن (2002)، قانون ضد تروریستی (1996 و اصلاحات بعدی) و قانون وضعیت اضطراری (1976 و اصلاحات متعدد)، و مقرراتی مانند فرمان دادگاه نظامی (2006) و فرمان اجرایی 13224 (23 سپتامبر 2001) به شکل کاملاً واضحی، بسیاری از حقوق و آزادی‌های بنیادین را نقض کرده است و اختیارات نهادهای امنیتی را به صورت لجام‌گسیخته‌ای افزایش داده است که دادرسی عادلانه را متوقف کردند و حریم خصوصی را مورد تجاوز قرار دادند. علاوه بر این عرف‌های حقوقی - قضایی، مقررات دولتی، کلیشه‌های حقوقی - اجتماعی بسیاری هستند که حقوق فردی و اجتماعی امریکایی‌ها را تهدید و نقض کرده و می‌کند؛ کما اینکه تصورشان این است که فدرالیسم حقوق آن‌ها را تضمین می‌کند؛ درحالی‌که از یک سو مهم‌ترین عامل نقض حقوق‌شان سیاست‌ها و قوانین فدرال بوده و از سوی دیگر نظام سیاسی فدرال بخش‌های قابل‌توجهی از حق مشارکت و تعیین سرنوشت آن‌ها را که مهم‌ترین حقوق سیاسی است، تحدید کرده است.

1. ایالات متحده یا هیچ‌یک از ایالت‌ها تساوی حقوق قانونی را براساس جنسیت افراد نفی یا محدود نمی‌کنند.

2. قلمروهای نقض موضوعی حقوق شهروندی در ایالات متحده امریکا

حقوق شهروندی مشتمل بر حق‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در امریکا، با توجه به اینکه این کشور قدرت اول اقتصادی، سیاسی و نظامی جهان محسوب می‌شود، برای اتباع ایالات متحده امریکا به طور معمول نقض می‌شود. اهم این حقوق عبارتند از:

2-1. نقض حق بر دادرسی عادلانه

مطابق اصلاحیه ششم (1791) قانون اساسی ایالات متحده امریکا: «در کلیه دادرسی‌های کیفری، متهم از حقوق ذیل برخوردار خواهد بود: حق محاکمه سریع و علنی توسط هیئت منصفه بی طرف ایالت و منطقه‌ای که جرم در آن رخ داده است، منطقه مزبور را باید قانون از پیش تعیین کرده باشد؛ حق آگاهی از ماهیت و دلیل اتهام؛ حق مواجهه با شهودی که علیه او شهادت می‌دهند؛ حق احضار شهود به نفع خود؛ و حق داشتن وکیل برای دفاع از خود». با وجود این حق بدیهی‌ای که در نظام حقوقی امریکا نیز مورد تصریح قانون‌گذار قرار گرفته است، خارج از قلمروی سرزمینی امریکا رعایت نمی‌شود. براساس بخش یکم اصلاحیه چهاردهم 1868¹ نظام قضایی امریکا خارج از قلمرو سرزمینی همانند گوانتانامو، بگرام و ابوغریب، و ده‌ها زندان مخفی در اروپا حاکم نیست تا دادرسی عادلانه معنا پیدا کند. از سوی دیگر به موجب قانون پاتریوت و قوانین ضد تروریستی چون امنیت بر حقوق بشر و آزادی‌ها اولویت پیدا کرده است و نظریه «آزادی از ترس»² نسبت به غیرامریکایی‌ها اجرا نمی‌شود (Smith, 2020: 142). مبتنی بر همین نظریه، اقدامات بسیاری در زمان رییس‌جمهور بوش طراحی شده است و همچنان به اجرا درمی‌آید:

1. اتهام تروریسم به اسلام و خطاب قراردادن مسلمانان به‌عنوان تروریست در همان روز واقعه 11 سپتامبر؛
2. نقض حقوق اولیه بسیاری از شهروندان به‌ویژه مسلمانان، بازداشت و در فشار گذاشتن آنان برای اخذ خسارت؛

1. کلیه افرادی که در ایالات متحده متولد می‌شوند یا تابعیت ایالات متحده را کسب کرده‌اند و تابع صلاحیت قضایی آن هستند، تبعه ایالات متحده و تبعه ایالت محل اقامت‌شان هستند. هیچ ایالتی قانونی را وضع یا اعمال نخواهد کرد که امتیازات یا مصونیت‌های اتباع ایالات متحده را کاهش دهد و هیچ ایالتی کسی را بدون طی مراحل قانونی مقتضی از زندگی، آزادی یا حق مالکیت و نیز از حمایت مساوی قانون در حوزه قضایی محروم نمی‌سازد.

2. Freedom from Fear

3. تهاجم به عراق و افغانستان و کشتن بیش از 900-400 هزار غیرنظامی تا پایان 2011؛
4. ایجاد ائتلاف کشورهای مبارز علیه تروریسم با عنوان «جنگ مقدس» یا «جنگ عادلانه»؛
5. تدوین مجموعه‌ای از قوانین امنیتی مغایر با حقوق بنیادین و مشروع افراد در عرض کمتر از 6 ماه؛
6. تأسیس و گسترش زندان‌های سرّی و غیرقانونی در سراسر جهان؛
7. در نظر گرفتن اصول دادرسی منصفانه و اصول اولیه حقوق برای زندانیانی که به‌عنوان رزمنده دشمن زندانی شده‌اند» (غمامی، 1395: 89).

2-2. نقض حق بر حریم خصوصی

هرچند حریم خصوصی¹ به‌صراحت در قانون اساسی آمریکا مورد توجه قرار نگرفته است، ولی از عبارت «منع تفتیش» در اصلاحیه چهارم 1791 و اصلاحیه چهاردهم 1868 این‌گونه برمی‌آید که از لحاظ هنجاری، احترام به حریم خصوصی در آمریکا یک ارزش است. این رویکرد در رویه‌های مکرر دیوان عالی کشور آمریکا از جمله دعوی «دعوی گریس ولد علیه کانتیکات»² تحت عنوان «حق بر تنها رها شدن»³ قابل ملاحظه است (US Legal, 2013). این ارزش با طرح نظریه‌هایی همانند مبارزه با تروریسم، اولویت امنیت، آزادی از ترس و غیره به محقق رفته است و قوانین متعدد از جمله قانون نظارت بر اطلاعات خارجی (1978 و اصلاحات بعدی)، قانون پاتریوت، قانون مبارزه با تروریسم، قانون مدرن‌سازی نظارت الکترونیکی، و غیره به‌شدت مخدوش شده است. به علاوه دولت به‌ویژه NSA, CIA, R & AW و GCHQ اطلاعات امریکایی‌ها و غیرامریکایی‌ها را به‌سادگی جمع‌آوری، سرقت و خرید و فروش می‌کند و مورد سوءاستفاده قرار می‌دهد. نهادهای خصوصی آمریکا نیز همانند آمازون، اپل، فیس‌بوک، گوگل و یاهو نیز چنین رفتاری را مکرر انجام می‌دهند. براساس افشاگری منتشرشده ادوارد اسنودن و افشاگری‌های مشابه، اطلاعات شهروندان امریکایی به‌راحتی در اختیار سرویس‌های جاسوسی آمریکا قرار گرفته است و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. طبق اسنادی که اسنودن در اختیار رسانه‌ها قرار داده است، پس از آنکه دادگاه نظارت و اطلاعات خارجی - که جاسوسی‌های آژانس امنیت ملی باید طبق آن انجام می‌شد - رأی به غیرقانونی بودن برنامه جاسوسی داده است، آژانس امنیت ملی آمریکا میلیون‌ها دلار هزینه کرده است

1. Privacy

2. Griswold v. Connecticut

3. The Right to be Let Alone

تا شرکت‌های فناوری را به همکاری وادارد. مریسا مایر مدیر اجرایی و مدیر عامل یاهو، و مارک زاکربرگ بنیان‌گذار فیسبوک از برنامه جاسوسی آژانس امنیت ملی امریکا (NSA) در زمینه ارتباطات اینترنتی شهروندان امریکایی و دیگر کشورها انتقاد کردند» (یابایی، 1395: 9).

2-3. نقض حق بر تعیین سرنوشت

نظام هنجاری حاکم بر امریکا، از آن یک نظام مردم‌سالار نشان می‌دهد. نظامی که ماده اول قانون اساسی آن در مورد نظام پارلمانی دورکنی (مجلس نمایندگان و سنا) است و در ده بخش، اختیارات گسترده‌ای را با حفظ تفکیک قوای مطلق برای پارلمان مشخص کرده است. در ادامه نظام ریاست‌جمهوری آن براساس انتخاب مردم در ماده دوم تبیین شده است که ساختار پیچیده‌ای دارد. نظام انتخابات ریاست‌جمهوری در ایالات متحده امریکا به‌ویژه کالج الکترال‌ها¹ و قواعد مربوط به انتخاب رییس‌جمهور همانند «برنده همه آرا را از آن خود می‌کند»² مانع تحقق حق بر تعیین سرنوشت و مجموعه حقوق سیاسی در انتخاب عالی‌ترین مقام سیاسی امریکا در نظام تفکیک قوای ریاستی شبه‌مطلق است. همین پیچیدگی سبب شده است تا گردش قدرت در آن صرفاً در اختیار دو حزب و جریان‌های سرمایه‌داری باشد. «امریکا نمونه‌ای از جامعه‌ای است که بیشترین قدرت آن در دست تعداد محدودی از افراد است. در سال 1995 از 281 میلیون امریکایی حدود 7314 نفر درباره مسائل مهم مملکتی تصمیم می‌گرفتند. این افراد نیمی از عواید بانک‌ها، سه‌چهارم درآمد شرکت‌های بیمه، و شرکت‌های بزرگ سرمایه‌گذاری در وال‌استریت را در اختیار دارند و شبکه‌های تلویزیونی را اداره می‌کنند و این حقیقتی است که از قدرت به نام مردم استفاده می‌شود. از سویی، زمانی وظیفه دولت تنها ایجاد نظم و امنیت، حراست از مال و اموال افراد و مقابله با تهدیدهای خارجی بود؛ امروزه این مسئولیت بسیار گسترده‌تر شده است و دولت بر همه جنبه‌های زندگی شهروندان تأثیر و نظارت دارد» (غفوری و داوند، 1395: 370).

به علاوه نظام قانون اساسی ایالات متحده در بند 2 بخش اول ماده دوم، در طراحی نهاد «کالج الکترال» مبتنی بر بی‌اعتمادی همراه با تبعیض نژادی بنا شده است. نمایندگان در کنوانسیون تنظیم قانون اساسی (1787)³ طرح انتخاب مستقیم رییس‌جمهور با آرای مردم را رد کردند. الکساندر

1. The United States Electoral College
2. Winner-take-all Systems
3. The Constitutional Convention in 1787 (Virginia Plan)

همپلتون^۱ از دیگر نمایندگان مؤثر، در مقاله 68 فدرالیست‌ها، با این توضیح که منافع ملی با انتخاب مستقیم مخدوش می‌شود و ممکن است مفاسدی ناشی از توجه به خواست برخی اقشار رخ دهد و یک بی‌صلاحیت رییس‌جمهور شود، امکان انتخابات حزبی مدیریت‌شده و از طریق گزینشگران مطمئن را پیشنهاد داده است. به علاوه استدلال کرد گزینشگران می‌توانند به اطلاعاتی دسترسی داشته باشند که در اختیار عموم نیست (Hamilton, 1788: 68).

تبعیض بنیادی نهاد کالج الکترا ل به ارزش رأی‌ها برمی‌گردد. در واقع ایالت‌هایی مانند کالیفرنیا در جنوب با 55 رأی که جمعیت بیشتری از سیاه‌پوستان در آن هستند، وزن رأی کمتری نسبت به ایالت‌های سفید شمال مثل وایومینگ با سه رأی دارند؛ بدین ترتیب که یک رأی در وایومینگ (578 هزار نفر) با توجه به جمعیتی بیش از 39/5 میلیون نفر، چهار برابر یک رأی در کالیفرنیا ارزش دارد (Apportionment of the U. S. House of Representatives Based on the Census, 2010).

جدول شماره 1. تعداد گزینشگران و ارزش رأی آن‌ها در انتخابات الکترا ل بر حسب ایالت‌ها

ایالت	تعداد گزینشگران × ارزش
کالیفرنیا	$55 \times 1 = 55$
تگزاس	$38 \times 1 = 38$
فلوریدا، نیویورک	$29 \times 2 = 58$
ایلی‌نویز، پنسیلوانیا	$20 \times 2 = 40$
اوهاйо	$18 \times 1 = 18$
جورجیا، میشیگان	$16 \times 2 = 32$
کارولینای شمالی	$15 \times 1 = 15$
نیوجرسی	$14 \times 1 = 14$
ویرجینیا	$13 \times 1 = 13$
واشینگتن	$12 \times 1 = 12$
آریزونا، ایندیانا، ماساچوست، تنسی	$11 \times 4 = 44$

1. Alexander Hamilton

ایالت	تعداد گزینشگران × ارزش
مربلند، مینه‌سوتا، میسوری، ویسکانسین	$10 \times 4 = 40$
آلاباما، کلورادو، کارولینای جنوبی	$9 \times 3 = 27$
کنتاکی، لویزیانا	$8 \times 2 = 16$
اوکلاهاما، اورگان، کنتیکت	$7 \times 3 = 21$
آرکانزاس، لوآ، کانزاس، می‌سی‌سی‌پی، نوادا، یوتا	$6 \times 6 = 36$
نبراسکا، نیومکزیکو، ویرجینیای غربی	$5 \times 3 = 15$
هاوایی، آیداهو، مین، نیوهامپشایر، رودآیلند	$4 \times 5 = 20$
آلاسکا، دلور، واشینگتن دی‌سی، مونتانا، داکوتای شمالی، داکوتای جنوبی، ورمانت، وایومینگ	$43 \times 8 = 24$
جمع گزینشگران	$= 538$

هرچند ظاهراً سهمی که هر ایالت برای کالج الکترال دارد، براساس جمعیت است و حسب نظر جیمز مدیسون و سایر قانون‌گذاران امریکایی، برای همراهی ایالت‌های برده‌دار (بیشتر ایالت‌های جنوب) افراد نه مستقیم بلکه از طریق گزینشگران ایالتی در انتخابات شرکت کنند (Madison, 1990: 57- 60)؛ ضمن اینکه تعداد سیاهان را در هر ایالت با ضریب سه‌پنجم و بدون حق رأی با عنوان امتیاز «پاداش برده»^۱ محاسبه می‌کردند (Wilentz, 2019). نحوه شمارش آرا در هر ایالت بدون مداخله دولت فدرال، بر عهده قانون‌گذار دولت ایالتی گذارده شده بود^۲ تا به صورت تاریخی سفیدها بتوانند اقتدار خود را در روش اجرا و محاسبه بر بومیان و سیاهان اعمال کنند. نمایندگان شاخص (پدران بنیان‌گذار^۳) مشتمل بر مدیسون و همیلتون و جی، در مقاله موسوم به فدرالیست‌ها اذعان می‌کنند چون نظام حکمرانی در امریکا عمیقاً تبعیض‌آمیز است، برای تحذیر از «هیاهو و بی‌نظمی»^۴ باید انتخابات غیرمستقیم و از طریق کالج الکترال باشد (Hamilton, Madison, Jay, 1961).

1. Slave Bonus
2. in such manner as its Legislature may direct
3. Founding Fathers
4. Tumult and Disorder

سیاهان تا قانون «حق رأی دادن»^۱ 1965 حق رأی نداشتند. این قانون پس از پیشنهاد اندرو گودمن^۲ که مخالفت سناتورهای نژادپرست را توهین‌آمیز دانسته بود و به همراه دو نفر دیگر از مدافعان حق رأی سیاهان (جیمز چنی^۳ و میشل شوونر^۴) در اثر رفتارهای اهانت‌آمیز مجموعه کارگزاران «طرفدار جدایی سفیدها از سیاهان» کشته شد، به تصویب رسید. باراک اوباما^۵ رئیس‌جمهور سیاه‌پوست سابق آمریکا درباره اندرو در جمع مردم می‌سی‌سی‌پی اعلام کرد: «من یکی از بسیاری از کسانی هستم که روی شانه‌های بزرگانی مانند اندی ایستاده‌ام. مرگ او برای همیشه ملت ما را تغییر داد و در مثال او، تفاوتی که هرکدام می‌توانیم هنگام فراخواندن شهامت بلندکردن زندگی دیگران، به یاد بیاوریم، یادآوری می‌شود» (andrewgoodman, 2020).

نظام انتخاباتی غیرمستقیم ناشی از کالج الکترال‌ها که انتقادهای بسیاری به آن در ارزش رأی‌ها وارد است، و از مجموع 538 انتخاب‌گر آن، گاه به آرای مردم وفادار هم نیستند، چهره‌ای بسیار غیرشفاف و غیردموکراتیک از نظام حقوقی آمریکا ساخته است. ممکن است کاندیدایی به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شود، درحالی‌که رأی مردم را به دست نیاورد؛ کما اینکه در سال‌های 1824، 1876، 1888، 2000 و 2016 رخ داد (Mahler & Eder, 2016). نظامی که بنا بر اظهارات بسیاری از حقوق‌دانان موجب شده است تا در انتخابات 2020، بسیاری از متوفیان هم شرکت کنند و تقلب پنهان و تبعیض ناشی از ارزش رأی‌های متفاوت ایالت‌ها که همواره در این سیستم، انتخابات غیرمنصفانه را رقم می‌زند، تکرار شود. رئیس‌جمهور ترامپ در نقد این نظام انتخاباتی اذعان می‌کند انتخابات در افغانستان «امن‌تر»^۶ و «با اجرای بهتر»^۷ از انتخابات در ایالات متحده امریکاست. در آمریکا انتخابات کاملاً مضحک و پوچ^۸ است (Trump, 2020).

-
1. Voting Rights Act of 1965
 2. Andrew Goodman
 3. James Chaney
 4. Michael Schwerner
 5. President Barack Obama
 6. More Secure
 7. Better Run
 8. Absurd

2-4. نقض حق بر رفاه نسبی

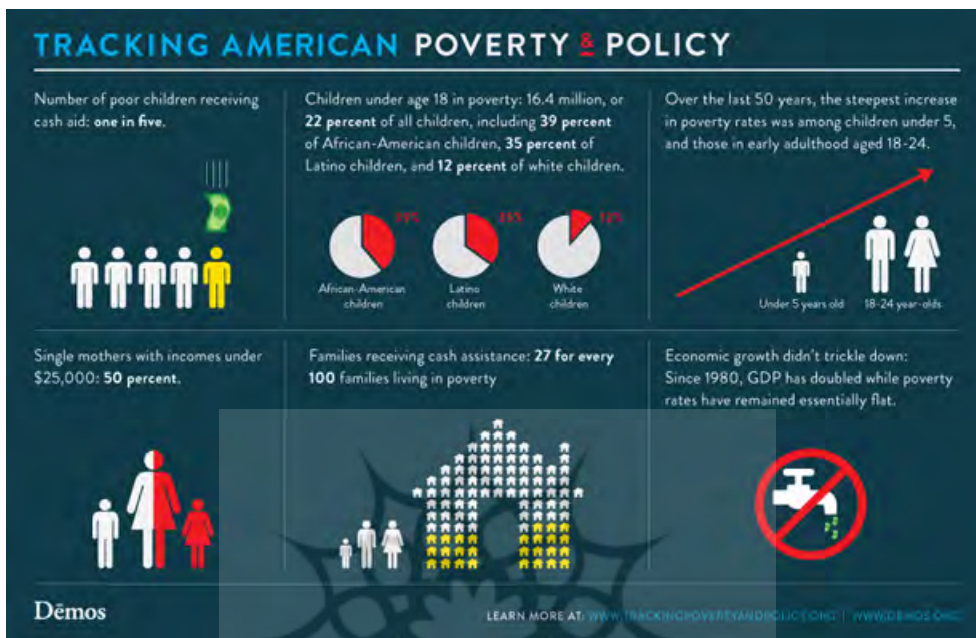
در مقدمه قانون اساسی آمریکا، هدف از وضع این قانون این گونه بیان شده است: «ما مردم ایالات متحده، به منظور تشکیل اتحادیه‌ای کامل‌تر، استقرار عدالت، تأمین آسایش ملی، تضمین دفاع مشترک، ارتقای رفاه عمومی و حفظ برکات آزادی برای خود و آیندگانمان، قانون اساسی حاضر را برای ایالات متحده آمریکا وضع و مقرر می‌کنیم». با وجود این براساس گزارش سرشماری ایالات متحده در سال 2011، 46/2 میلیون آمریکایی فقیر به حساب می‌آیند؛ یعنی 15 درصد از جمعیت کشور که در سال 2020 و بیماری کرونا به بیش از 55 میلیون نفر رسیدند. از این میان تقریباً 16/4 میلیون کودک آمریکایی (22 درصد) از جمعیت کمتر از هجده سال، در فقر زندگی می‌کنند. نرخ برای افراد 65 سال و بالاتر 8/7 درصد است.

جدول شماره 2. گزیده‌ای از فقیرترین آمارها در آمریکا

کسانی که در خانوارهای سرپرست زن زندگی می‌کنند و شوهر ندارند (31/2 درصد)
بزرگسالان جوان بدون دیپلم (در کل 31 درصد؛ برای سیاه‌پوستان 43 درصد)
کسانی که در خانواده‌ای زندگی می‌کنند که سرپرست خانواده بیکار است (32/9 درصد)
اقلیت‌ها (27/6 درصد برای سیاه‌پوستان)

شاخص‌های فقر در آمریکا مشتمل بر نداشتن کار، نداشتن درآمد حداقلی و نداشتن سرپناه، به هیچ وجه متناسب با این واقعیت نیست که این کشور ثروتمندترین کشور دنیا با درآمد ناخالص ملی 44/21 تریلیون دلار در سال 2020 است. عمده علت نیز به شکاف طبقاتی بسیار وحشتناک و طراحی سیستم برای فقدان امکان تبعیض مثبت به نفع ایشان به دلیل حقوق از دست‌رفته در بیش از 300 سال گذشته و مستقرنشدن دولت رفاه در مقابل دولت ناظم (دولت لیبرال و بازار آزاد) برمی‌گردد (Jonas, 2007: 111).

نمودار شماره ۱. بررسی وضعیت فقر در جمعیت ایالات متحده آمریکا



5-2. نقض حق بر اعتراض و سرکوب شدید

از مهم‌ترین حقوق سیاسی و اقتصادی هر شهروندی، حق بر انتقاد و اعتراض است. از آنجاکه آمریکایی‌ها به جهات مختلفی حقوق‌شان به نحو سیستمی تضییع می‌شود سال‌هاست که به ساختار نظام سیاسی - اقتصادی کشور و حتی نظام فرهنگی - اجتماعی اعتراض دارند. به‌رغم سرکوب‌های عرفی توسط نژادپرستان و کلیشه‌های نهادینه‌شده در دولت، سال‌هاست که اعتراض‌ها به‌شدت سرکوب شده‌اند (ACLU, 2020). آن‌ها در شهرهای مختلف و دوره‌های مختلف اعتراض‌های سازمان‌یافته‌ای را ترتیب داده‌اند. عمده این اعتراضات به الگوی حکمرانی با اعتراض سیاه‌پوستان به نژادپرستی عمیق و به‌تازگی در قلمرویی بسیار گسترده با جنبش وال‌استریت آغاز شده و با خشونت تمام‌عیار پلیس و نیروهای گارد ملی برای سرکوب شدید ادامه دارد (Schneider, 2014: 26). پس از اوج‌گیری بیماری کرونا و قتل عمدی جرج فلویید (سیاه‌پوست آمریکایی) توسط پلیس، اعتراض‌ها افزایش یافت. در همه این دوران‌ها به‌ویژه دوران رییس‌جمهور ترامپ، با این اعتراض‌ها وفق عبارت شخص رییس‌جمهور به‌شدت و با استفاده از «زور تهاجمی بسیار شدید» توسط پلیس فدرال برخورد

شده است (Human Rights Watch, 2020). اعتراض‌ها در سال‌های منتهی به اعلام نتیجه انتخابات در 2021 و ابهام در ربودن رأی ایشان به واسطه انتخابات ریاست جمهوری 2020، سبب هجوم مردم در هفتم ژانویه 2021 به کاپیتال (Capitol) محل مجلس کنگره امریکا شد و در جریان آن چهار معترض با شلیک مستقیم یا ضرب و جرح شدید کشته و 52 نفر بازداشت شدند (Redondo, 2021). به دلیل بروز این فاجعه، توییت و فیسبوک تمامی اطلاعات مربوط به این روز جمله توییت رییس‌جمهور ترامپ را حذف کردند.

6-2. نقض حق بر حیات از طریق شکنجه، خشونت و حمایت دولت از نژادپرستی

تعرض به تمامیت جسمی از طریق شکنجه، خشونت و قتل در نظام حقوقی امریکا حتی بدون دادرسی امری تعریف شده است؛ چنان‌که ارتش طبق دستورالعمل دادگاه‌های نظامی، و پلیس طبق قوانین متعدد از جمله «قانون میهن‌پرستی»، «مبارزه با تروریسم»، «امنیت میهن» و «نظارت بر اطلاعات خارجی» اختیار شکنجه و اعمال خشونت لجام‌گسیخته علیه «سربازان دشمن» و «افراد مظنون» و محکومان را بدون رعایت هیچ قانون و کنوانسیون¹ دارند. این در حالی است که اسناد حقوق بشری متعددی اقداماتی را که متعرض به حق حیات می‌شود، ممنوع دانسته‌اند. برای مثال دولت امریکا در سال 1992 میثاق [حقوق مدنی و سیاسی] را امضا کرد ولی شروط متعددی را بر آن وارد ساخت؛ از جمله نسبت به ماده 20 میثاق در مورد ممنوعیت تبلیغ برای جنگ اعلام می‌دارد: «این ماده چون مخالف حق آزادی بیان است که قانون اساسی امریکا نیز از آن حمایت کرده است، قابل اجرا نیست». دولت امریکا ماده 7 درباره ممنوعیت شکنجه، رفتار و مجازات خشن و غیرانسانی و تحقیرکننده را همراه با اصلاحیه می‌پذیرد. درباره منع مجازات اعدام اشخاص کمتر از هجده سال (بند 5 ماده 6 میثاق) اعلام می‌دارد ایالات متحده امریکا در مواردی که طبق قانون داخلی حکم مجازات اعدام برای افراد کمتر از هجده سال مجاز شناخته شده است، قانون داخلی خود را اجرا

1. «یکی از نمونه‌های نقض فاحش حقوق بشر در رفتار امریکا، حمله این کشور به عراق و به طور مشخص حمله نظامیان به فلوجه است. جدا از تعریف اقدامات امریکا در قالب قطعنامه تجاوز، مجمع عمومی سازمان ملل متحد اقدامات این کشور را در تناقض فاحش با کنوانسیون ژنو و الحاقیه آن قرار داد. ماده 48 پروتکل الحاقی به کنوانسیون ژنو در سال 1977 اعلام می‌دارد: «تمامی طرفین یک درگیری باید میان غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی و نیروهای نظامی و اهداف نظامی تفاوت قائل شده و تمامی اقدامات تنها در مقابل اهداف نظامی باشد» (خبیری، 1398: 29).

می‌کند و نسبت به این ماده حق تحفظ اعلام می‌دارد» (جعفری، 1390: 746-747).

دولت آمریکا در نقض کنوانسیون منع شکنجه (1984) و اعمال مجازات‌های خشن و رفتارهای تحقیرآمیز، به‌ویژه نسبت به اقلیت‌ها اصرار ویژه‌ای دارد. مانفرد نوارک¹، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد، دولت آمریکا را عامل شکنجه، رفتارهای بسیار خشن و دردآور جسمی و روانی در گزارش 5 فوریه 2010 اعلام می‌کند. گزارش کمیته علیه شکنجه نیز اقدامات و مجازات‌های غیرانسانی، خشن و جنسی ارتش و پلیس آمریکا را به‌ویژه از طریق تکنیک‌های بازجویی تأیید می‌کند (Saul, 2020: 361). نکته قابل توجه این است که سیاه‌پوستان با اینکه اقلیتی سیزده درصدی در آمریکایی هستند، ولی بیش از دو تا سه برابر این میزان - به‌ویژه وقتی مسلح نیستند - مورد شلیک و قتل پلیس قرار می‌گیرند.

شکل شماره 2. بررسی وضعیت شلیک و قتل سیاه‌پوستان توسط پلیس

جمعیت ایالات متحده آمریکا براساس نژاد			
سایر	لاتین تبار	سیاه‌پوستان	سفیدپوستان
9 درصد	18 درصد	13 درصد	61 درصد
تعداد افراد کشته‌شده توسط پلیس از سال 2015			
5 درصد	19 درصد	26 درصد	50 درصد
تعداد افراد غیرمسلح کشته‌شده توسط پلیس از سال 2015			
4 درصد	18 درصد	36 درصد	42 درصد

رفتارهای خشن و ضد انسانی پلیس و مأموران حکومتی در زندان‌های شلوغ آمریکا و فاقد استاندارد، نمونه دیگری از نقض حقوق شهروندی است (احمدخان‌بیگی، 1390: 4-5). «آمریکا با سه میلیون زندانی یعنی با یک درصد از جمعیت این کشور به نسبت جمعیت، بزرگ‌ترین زندان جهان محسوب می‌شود. براساس گزارش‌های منتشرشده، زندان‌های این کشور از وضعیت نامطلوبی برخوردار بوده و موارد متعددی از بدرفتاری با زندانیان و تجاوز جنسی در آن به چشم می‌خورد که نهادهای مسئول نیز اقدامات بایسته و شایسته‌ای را به منظور رفع این معضلات از خود نشان نداده‌اند» (بابایی، 1395).

1. Manfered Nowark

4). در ایالات متحده آمریکا، افراد معلول ذهنی هم زندانی و شکنجه و هم اعدام می‌شوند؛ درحالی‌که افراد دارای آی‌کیو زیر 70، معلول هستند و عنصر معنوی هیچ جرمی را ندارند تا دادگاه بتواند برای آن‌ها مسئولیتی احراز کند ولی فقدان دادرسی منصفانه منجر به حکم مجازات نسبت به این افراد می‌شود. (Mangino, 2010: 100)

3. قلمروهای نقض ناشی از تبعیض حقوق شهروندی در ایالات متحده آمریکا

تبعیض در نظام حکمرانی آمریکا با تأسیس این نظام سیاسی به همراه سنت اروپایی تبعیض و استعمار درآمیخته و تشدید شده است و جالب اینکه همچنان هم وجود دارد و رفتارهای خشن نژادپرستانه توسط نیروهای امنیتی، ارتش و پلیس برخاسته از همین سنت عمیق رسوب یافته است. عمده این تبعیض‌ها نسبت به زنان، اقلیت‌های قومی و نژادی و دینی اعمال می‌شود که به شرح زیر قابل بررسی است.

3-1. نقض حقوق شهروندی زنان

زنان در آمریکا به‌سختی حقوق اولیه پیدا کردند. آن‌ها از 1835 به تدریج در برخی ایالات (آرکانزاس، ماساچوست، تنسی و غیره) دارای حق مالکیت و نه کنترل آن شدند (Zorina, 2013) و قوانینی تحت عنوان قانون املاک زنان متأهل (در می‌سی‌سی‌پی)¹ یا قانون اجازه مالکیت به زنان متأهل² (نیوهامپشایر) در این زمینه به‌سختی به تصویب برخی ایالات رسید.

برخلاف ادعای دموکراسی و صیانت دیوان عالی کشور از قانون اساسی، پس از آنکه اصلاحیه چهاردهم³ تصویب شد، بسیاری از رویکردهای دموکراتیک معتقد بودند زنان با این اصلاحیه دارای حق رأی شدند، ولی در دعوی «مینور علیه هاپرست» (1875)⁴، دیوان عالی اعلام کرد مینور از همه حقوق شهروندی برخوردار است، ولی چون زن است حق رأی ندارد. این محرومیت تا اصلاحیه نوزدهم در 1920 باقی ماند و پس از آن رفع شد، چراکه اصلاحیه مقرر می‌کرد: «دولت ایالات متحده

1. Married Women's Property Act 1839

2. Married Women Allowed to Own Act 1842

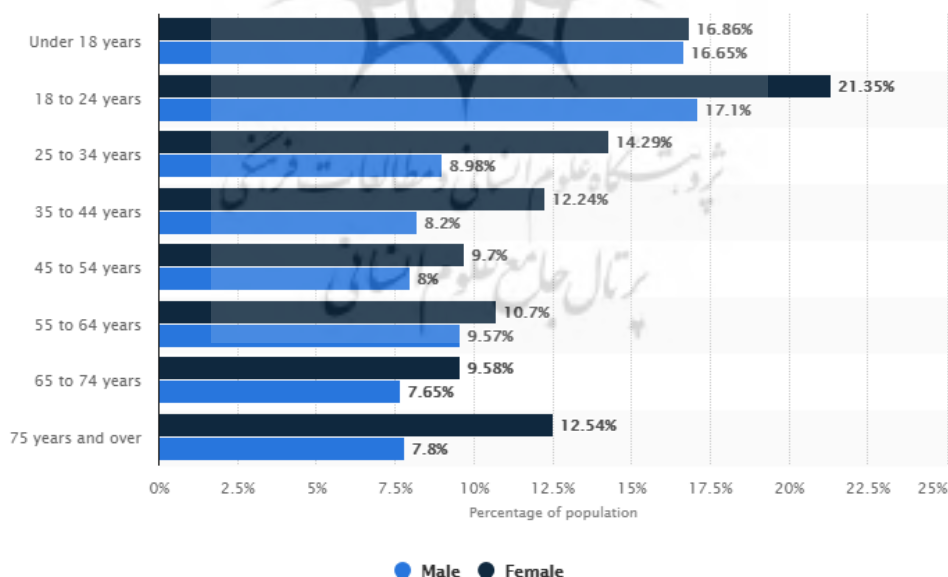
3. کلیه افرادی که در ایالات متحده متولد شده یا تابعیت ایالات متحده را کسب کرده‌اند و تابع صلاحیت قضایی آن هستند، تبعه ایالات متحده و تبعه ایالت محل اقامت‌شان هستند. هیچ ایالتی قانونی را وضع یا اعمال نخواهد کرد که امتیازات یا مصونیت‌های اتباع ایالات متحده را کاهش دهد و هیچ ایالتی کسی را بدون طی مراحل قانونی مقتضی از زندگی، آزادی یا حق مالکیت و نیز از حمایت مساوی قانون در حوزه قضایی خود محروم نمی‌سازد.

4. Minor v. Happersett, 88 U. S. (21 Wall), 162 (1875).

یا هریک از ایالت‌ها حق رأی شهروندان ایالات متحده را از نظر جنسیت، نفی یا محدود نمی‌کند؛ بنابراین زنان آمریکایی در 2020 بیشتر از صد سال نیست که از حق رأی‌دادن برخوردار شده‌اند. این کلیشه ذهنی، با وجود ادعاهای دولت آمریکا نسبت به حقوق زنان، مانع از تصویب و اجرای «کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان یا کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» (1979) پس از امضای تشریفاتی (17 ژولای 1980) شده است.

زنان آمریکایی هنوز هویت مستقل از مردان ندارند و براساس تعصبی ریشه‌دار، دچار تبعیض در فرصت‌های اقتصادی، کاری، تحصیلی و خشونت‌های مبتنی بر جنسیت هستند. زنان هنوز تنها 78 سنت برای هر دلار درآمد مردان دریافت می‌کنند. این تبعیض در میان زنان سیاه‌پوست دوچندان می‌شود زیرا تنها 64 سنت و لاتین‌تبارها فقط 54 سنت برای هر دلار درآمد مردان سفیدپوست کسب می‌کنند. مطابق گزارش *ارین دافین* نرخ بیکاری زنان در آمریکا در سال 2019 در سن اشتغال 21/35 درصد است و مجموع این آمارها نشان از نقض سیستمی حقوق زنان در آمریکا دارد (us poverty rate by gender, 2020).

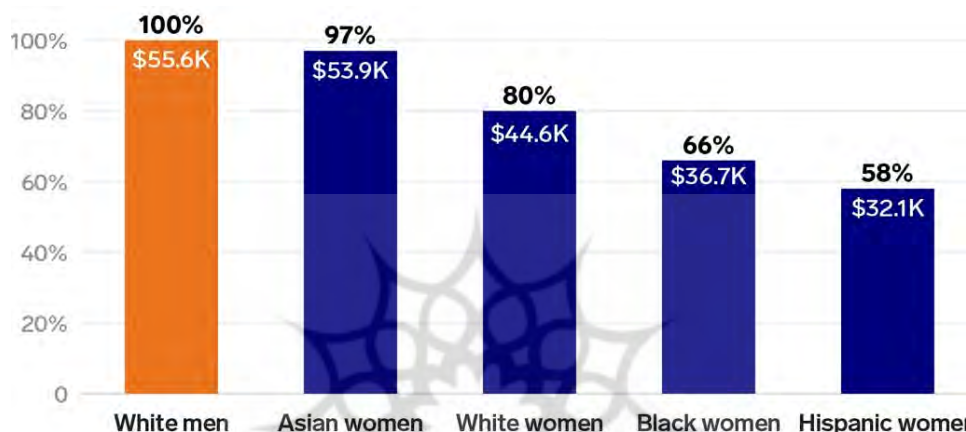
شکل شماره 3. نرخ فقر در ایالات متحده آمریکا از سال 2019 براساس سن و جنس



بیش از 1000 مدرسه عمومی در ایالات متحده برنامه‌های آموزش تک‌جنسیتی دارند. بسیاری از

آن‌ها به علم بی‌اعتبار و کلیشه‌های جنسیتی اعتماد می‌کنند (www.aclu.org/issues/womens-rights). زنان در امریکا براساس سرشماری 2018 فقیرتر هم محسوب می‌شوند. این فقر در اقلیت‌های نژادی ضربی به شرح توضیحات شکل شماره 4 دارد (Povertyusa, 2018).

شکل شماره 4. درآمد سالانه زنان در مقایسه با مردان سفیدپوست



نکته: اطلاعات نشانگر میانگین درآمد متوسط کارمندان تمام‌وقت شانزده سال و بالاتر در کل طول سال است.

Source: US Census Bureau, "2018 American Community Survey"

نظام قضایی نیز به‌رغم ادعایی که پیرامون آزادی‌های فردی دارد نتوانسته و نمی‌خواهد از حقوق زنان دفاع کند؛ چه اینکه به طور کاملاً واضحی از حقوق کمتری برخوردار می‌شوند و چه اینکه پس از تجاوز به حقوق و حتی تمامیت جسمی‌شان، پلیس و نظام قضایی از آن‌ها دفاع نمی‌کند. در این معنا زنان امریکایی از زندگی ایمن و باعزت¹ محروم‌اند (www.aclu.org/issues/womens-rights).

بخشی از نقض حقوق زنان در داخل نظام قضایی امریکا رخ می‌دهد؛ چنان‌که زنان در بازداشتگاه‌ها و زندان‌های پلیسی - امنیتی مورد تجاوز قرار می‌گیرند. نیروهای امنیتی و پلیسی برای فرار از اعمال مجازات به استناد «رضایت» قربانی، از مجازات مصون می‌شوند (www.aclu.org/legal-document/ed-v-sharkey-amicus-brief). این همان استدلالی است که مأموران اداره مهاجرت به جهت تجاوز به زنان در مرکز اقامتی شهر برکس (مرکز مهاجرت خانواده)²

1. Live Safely and with Dignity

2. Berks County Residential Center-Immigration Family Center (BCRC)

با سوءاستفاده از وضعیت خود، موجبات رضایت اجباری را فراهم کرده‌اند. این در حالی است که در آرای برخی محاکم تصریح شده است: «قدرت نابرابر تشخیص رضایت از اجبار را دشوار می‌کند» (Wood v. Beauclair, 2012).

بخشی از نقض حقوق بشر و امکان تجاوز سیستمی علیه زنان ناشی از تصمیمات دولتی است. این خشونت نسبت به زنان مهاجری رخ می‌دهد که قصد دارند با استفاده از حق پناهجویی طولانی مدت از گروه‌های بسیار خطرناک و ازدواج‌های زننده (برده‌کشی جنسی) خارج شوند، ولی با دستور نژادپرستانه ترامپ و اقدام دادستانی از آن محروم شده‌اند. دادستان کل آمریکا^۱ حسب تصمیم دولت آمریکا، از پذیرش پناهندگی این زنان سر باز زده است و این خود تضمین تجارت کثیف زنان در ایالات متحده و برده‌داری جنسی و خشونت لجام‌گسیخته علیه آنان است. در واقع با این تصمیم ترامپ در سال 2018، بازارهای جنسی به باندهای آمریکایی اجازه تداوم خشونت تضمین‌شده علیه زنان را می‌دهد، چراکه آنان امکان فرار را از دست داده‌اند (Aclu, 2018). این تصمیم همانند اعمال سیاست «جداکردن خانواده از مرز»^۲ به شدت ظالمانه و ناقض کرامت و حقوق بنیادین افراد در داشتن خانواده است.

3-2. نقض حقوق اقلیت‌های نژادی و رنگین‌پوستان

تحول نظام حقوقی آمریکا در قبال رنگین‌پوستان و اقلیت‌های نژادی از جمله بومیان و لاتین‌تبارها به وضوح نشان می‌دهد این کشور به طور قطره‌چکانی حاضر به تغییرات جزئی و عموماً غیرمؤثر به نفع این گروه شده است. این نظام حقوقی مشتمل بر قوانینی علیه این اقشار بوده است؛ از جمله قانون حق‌های مدنی 1964^۳ درباره ممنوعیت جداسازی محل اسکان، اشتغال و مدارس سفیدپوستان از غیرسفیدپوستان؛ مقررات به‌ویژه فرامین اجرایی رییس‌جمهور (فرمان اجرایی 10308 ترومن درباره قراردادهای کار، فرمان اجرایی 10479 آیزنهاور درباره قراردادهای دولتی، دستورالعمل 11063 کندی درباره ممنوعیت تبعیض نژادی در مسکن با بودجه فدرال، دستورالعمل 11246 جانسون درباره اجازه اجرای قانون حق‌های مدنی 1964 به آژانس‌های فدرال) در برهه‌های ناشی از اعتراض‌های عمومی، تلاش ظاهری برای زدودن تاریخ برده‌داری و تبعیض، اقدامات نمادین رؤسای جمهور برای کسب رأی جامعه سیاهان و اقلیت‌های نژادی، تغییراتی را در تعامل با نظام قضایی فدرال (برای مثال دعوای

1. Attorney General Jeff Sessions
2. Separating Families at the Border
3. Civil Rights Act of 1964 (Race & Racial Justice)

نمایندگان دانشگاه کالیفرنیا علیه بک در 1978¹ برای آنکه اقلیت‌ها امکان تحصیل وفق قانون اساسی داشته باشند) پذیرفته است که گاه قانون‌گذار امریکایی پیش‌تر با آن موافق نبوده است و به همین دلیل مانع داشتن عنصر هنجاریت (ضمان اجرا و عینیت یافتن) شده است. برای مثال قانون حق‌های مدنی 1957² که دستاوردی حقوقی برای جامعه دانسته شده است، در عمل فاقد الزام‌های حقوقی و سازوکارهای اجرایی برای تحقق بود.

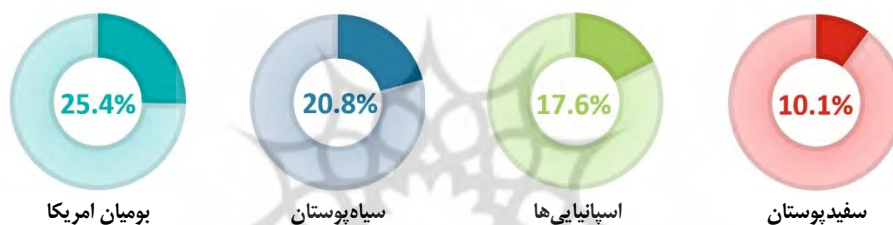
گاه این تبعیض‌ها با جنسیت جمع می‌شد و اوضاع وخامت‌بار جدیدی را ایجاد می‌کرد. برای مثال دستورالعمل اجرایی 11375 رییس‌جمهور جانسون نشان می‌دهد اگر او دستور نمی‌داد نه تنها قانون حق‌های مدنی 1964 برای جامعه اقلیت‌های نژادی اجرا نمی‌شد، بلکه با فرمان اجرایی او در 1966 زنان سیاه‌توانستند از مزایای حکمی این دستور استفاده کنند. محرومیت‌های اقلیت‌ها شامل همه غیرسفیدپوستان به‌ویژه بومیان امریکا می‌شود که به‌شدت با حمایت کامل دولت دچار نسل‌کشی، استعمار، رفتارهای ظالمانه و فرهنگ‌کشی شده‌اند (Madley, 2016; Lindsay, 2012: 225). جیمز آنایا گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر در امور حقوق بومیان بیان کرد عملیات صنعتی و کارخانه‌ای مانع دستیابی بومیان منطقه به زمین‌های زراعی و اماکن مقدس‌شان شده است. وی ادامه داد نرخ فقر در میان بومیان امریکایی تقریباً دو برابر میانگین ملی آن است. گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر در امور نژادپرستی، به «نواجز»³ شاخه‌ای از بومیان امریکایی اشاره کرد که با تبعیض نژادی از جمله دسترسی به مراجع قضایی و راه‌حل‌های قانونی مواجه هستند» (یابایی، 1395: 8).

در مجموع، نمایی کلی نشان می‌دهد سیاه‌پوستان در جامعه امریکا اقلیتی فقیر و مجرم‌شده هستند که به‌هیچ‌وجه نظام حقوقی - قضایی امریکا به آن‌ها اجازه نمی‌دهد تبعیض به‌وجودآمده علیه آن‌ها جبران شود. چه اینکه برای مثال تنها و به صورت تبعیض‌آمیز سفیدپوستان تا سال 1962 از طریق کمک‌های فدرال خانه‌دار شده و در حوزه مسکن مورد حمایت دولتی قرار می‌گرفتند. در چنین حالتی به سیاه‌پوستان تبعیض تاریخی جبران‌ناپذیری وارد شده و آن‌ها با توجه به محدودیت زمین، به‌سختی می‌توانند حتی در محله‌های پایین شهر، حومه و جرم‌خیز صاحب خانه شوند. «مطابق گزارش‌های آماری اداره آمار امریکا، متوسط درآمد خانوار سیاه‌پوست در سال 2011 میلادی، 32

1. California v. Bakke 1978
2. The Civil Rights Act 1957
3. Navajos

هزار و 229 دلار بوده است و این میزان 60 درصد کمتر از یک خانوار سفیدپوست امریکایی غیراسپانیایی است. نتیجه وجود چنین شرایطی گسترش فقر در میان امریکایی‌های افریقایی تبار است» (بابایی، 1395: 7). براساس داده‌های سرشماری ایالات متحده در سال 2018، بالاترین میزان فقر براساس نژاد، بین امریکایی‌های بومی (25/4 درصد) مشاهده می‌شود: سیاه‌پوستان (20/8 درصد) دارای بالاترین میزان فقر هستند و اسپانیایی‌ها (از هر نژاد) در رده بعد نرخ فقر قرار گرفته‌اند (17/6 درصد). درحالی‌که سفیدپوستان دارای نرخ فقر 10/1 درصد هستند (Povertyusa, 2018).

نمودار شماره 5. میزان فقر بین امریکایی‌ها براساس نژاد



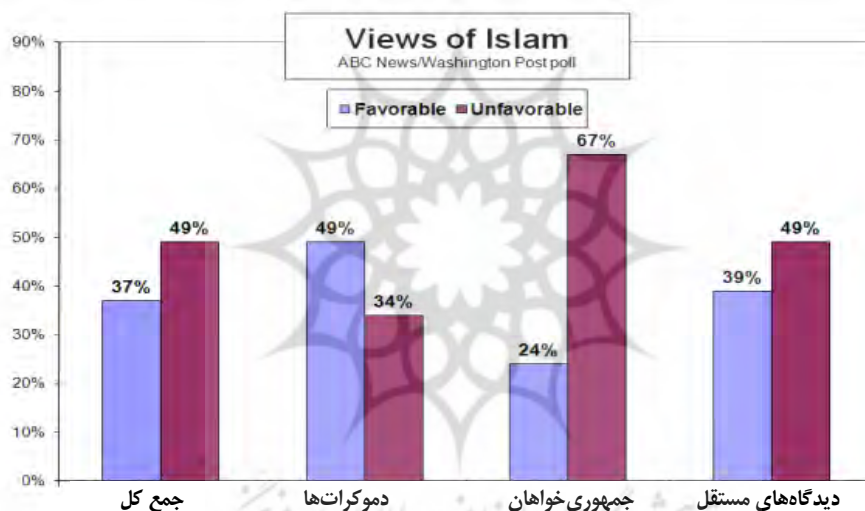
3-3. نقض حقوق دین‌داران به‌ویژه مسلمانان

براساس اصلاحیه اول (1791) قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، «کنگره درباره ایجاد مذهب، یا منع پیروی آزادانه از آن، یا محدود ساختن آزادی بیان یا مطبوعات یا حق مردم برای برپایی اجتماعات آرام و دادخواهی از حکومت برای جبران خسارت، هیچ قانونی وضع نمی‌کند»؛ بنابراین نظام حقوقی آمریکا سکولار است، ولی در عمل این ساختار حکومتی در اختیار گروه مسیحیان یهودی (ایوانجلیست) است و در نتیجه دولت در آمریکا عموماً گرایش‌های مسیحی - یهودی دارد و در عمل در اختیار غیرمسیحیان یا یهودیان قرار نمی‌گیرد.

پس از واقعه مبهم یازدهم سپتامبر که رییس‌جمهور بوش آن را یادآور جنگ‌های صلیبی دانست، اقلیت مسلمانان آمریکا که جمعیت حدود شش میلیونی از سیصد میلیون نفر را تشکیل می‌دادند، بیشتر مورد فشار نهادهای امنیتی، نفرت‌پراکنی و نقض فاحش حقوق بشر و شهروندی همانند دوران فقدان حقوق مدنی سیاه‌پوستان و رنگین‌پوستان قرار گرفتند (Moore, 2017: 91). این سیاست که

می‌توان آن را اسلام‌هراسی^۱ دولتی نیز دانست، با حمایت از گروه‌های افراطی در پرتو آزادی بیان، شرایطی را فراهم کرده است که این گروه‌ها از 33 گروه افراطی ضد اسلام یا مسلمانان^۲ در سال 2008، به 74 گروه رادیکال در 2013 رسیده‌اند و هدف آشکارشان «ترویج تعصب و نفرت از اسلام و مسلمانان» است. این اقدامات سبب شده است تا براساس نظرسنجی ای‌بی‌سی نیوز و واشینگتن‌پست، تنها 37 درصد آمریکایی‌ها نظر مساعدی به مسلمانان داشته باشند (ABC News & Washington Post, 2010: 3).

نمودار شماره 6. نگرش آمریکایی‌ها نسبت به اسلام



پس از وضع قانون پاتریوت در اکتبر 2001 و دو سال بعد قانون حذف یا موسوم به پاک‌سازی^۳ در جولای 2003 همراه با ایده اسلام‌هراسی که دولت پیش‌تر مسلمانان را تروریسم و جانی معرفی کرده بود، موجبات ورود نهادهای امنیتی به حریم خصوصی مسلمانان را با محدودیت‌های بیشتری در ارتباطات اجتماعی، امور اداری - استخدامی، رفتارهای خشن و اقدامات رفع اتهام^۴ فراهم کرد. تنها

1. Islamophobia

2. Anti-muslim, Anti-islam

3. The Clear Law Enforcement for Criminal Alien Removal Act (CLEAR)

4. Discovery: در نظام حقوقی آمریکا برخلاف نظام‌های حقوقی حق‌بنیاد، اصل بر برائت یا بی‌گناهی نیست؛ به‌ویژه وقتی نهادهای امنیتی گروه‌هایی را در لیست گروه‌های تروریستی یا پول‌شویی یا قاچاقچیان مواد قرار دهند. در این حالت آن‌ها اگر نتوانند دیسکوری (رفع اتهام) کنند، مجرم فرض می‌شوند.

(Serrin Turner & Stephen J. Schulhofer; The Secrecy Problem in Terrorism Trials: 8)

پس از حمله‌های یازده سپتامبر، به طور متوسط مسلمانان به دور از دسترسی به عدالت و اصول دادرسی منصفانه، 80 روز بازداشت بودند و بعد همگی بدون هیچ‌گونه دلیلی مبنی بر علت توقیف، با پذیرش تعهد آزاد شدند (Moore, 2017: 92). پس از این نیز دادستانی آمریکا سیستم ثبت ورود و خروج امنیت ملی (NSEERS)¹ را برای مسلمانان 16-45 سال اعمال کرد تا مجموعه اقدامات قضایی و تقنینی به‌ویژه قانون حذف، حق‌های مدنی مسلمانان را در آمریکا به‌شدت نابود کند.

نظام تبعیض نسبت به مسلمانان بسیار بیشتر از نسبت جمعیتی آن‌هاست. «با وجود آنکه مسلمانان تنها کمتر از 0/6 درصد جمعیت شهروندان آمریکایی را تشکیل می‌دهند، یک‌چهارم از پرونده‌های شکایت از تبعیض شغلی از سوی مسلمانان صورت می‌پذیرد». در عرصه آموزش نیز «در پیمایشی که در سال 2014 از سوی انجمن روابط اسلام - آمریکا انجام شد، 55 درصد دانش‌آموزان مسلمان اظهار کرده بودند به دلیل هویت مذهبی‌شان در مدارس مورد تعرض قرار گرفته‌اند» (بابایی، 1395: 12). زنان مسلمان نیز به‌شدت مورد تهدید و توهین قرار می‌گیرند. ارائه‌دادن خدمت، اعمال تبعیض‌های شغلی و آموزشی، تصویرسازی‌های توهین‌آمیز از جمله قربانی نشان‌دادن در رسانه‌های جمعی آمریکا و غیره از جمله شرایط ناامنی و محرومیت ایشان است (Joseph & Nağmābādī, 2003: 279).

نتیجه‌گیری

هرچند ممکن است در سطح هنجاری حقوق شهروندی در ایالات متحده آمریکا قواعد قابل‌قبولی وجود داشته باشد، ولی به واسطه قوانین معارض از جمله نظام کالج الکتروال، قانون میهن‌پرستی و قانون حذف، قانون نظارت بر اطلاعات خارجی، قانون مبارزه با تروریسم، و فرامین اجرایی رؤسای جمهور به‌شدت بی‌تأثیر می‌شود و در سطح ساختاری و عملکردی، اوضاع به‌شدت بغرنج است. به عبارت دقیق‌تر، بسیاری از اصول حقوقی شکل‌گرفته در آمریکا در همان زادگاه خود نقض می‌شوند و این حاکی از دو واقعیت صریح است: این اصول از نظر مبنایی، بنیادهای بسیار ضعیف مادی و غیرقابل‌اتکایی دارند که ذاتاً ظرفیت صیانت از کرامت انسانی را ندارند؛ و دوم، آمریکا از نظر ساختار حکمرانی، ظرفیت احترام به حقوق شهروندی ندارد؛ کما اینکه گزارشگران حقوق بشر سازمان ملل و رؤسای جمهور این کشور نیز بر این واقعیت صحه نهاده‌اند.

1. the National Security Exit-Entry Registration System (NSEERS)

نظام سیاسی، قانون اساسی و رویه حکمرانی در ایالات متحده، حق‌های سیاسی شهروندان را به‌ویژه در انتخاب رییس‌جمهور، با ایجاد تفاوت در ارزش رأی انتخاب‌گران یا پیچیدگی‌های انتخاباتی نقض می‌کند و اگر هم اعتراضی صورت گیرد، آن را سرکوب می‌کند و اطلاعات مربوط حذف می‌شود. همچنین برخلاف مقدمه قانون اساسی، حقوق بنیادین از جمله حریم خصوصی، دسترسی به بهداشت و آموزش، آزادی‌های مردم و رفاه نسبی به صورت سیستمی به واسطه قواعد نانوشته و نظریه دولت ناظم نقض می‌شود.

در ایالات متحده آمریکا به‌رغم اصلاحات تدریجی قوانین از جمله قوانین متعدد حق‌های مدنی، همه اقلیت‌های نژادی از جمله سیاهان، بومیان و لاتین‌تبارها به صورت ریشه‌ای از نقض فاحش حقوق بشر رنج می‌برند. همچنین به‌رغم ادعاهای موجود، جنسیت یکی از مهم‌ترین مبانی تبعیض در حوزه‌های مختلف به‌ویژه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. زنان به‌شدت دچار مشکل فقر، تجاوز، بی‌خانمانی و تبعیض شغلی هستند.

در ایالات متحده آمریکا مسلمانان به‌عنوان اقلیتی مهم همواره با رویکردهای نژادپرستانه مواجه بوده‌اند؛ به‌ویژه پس از یازدهم سپتامبر 2001 که به‌شدت از حقوق خود محروم شده‌اند. مسلمانان همواره مورد توهین و رفتارهای خشن دولت و رسانه‌ها قرار می‌گیرند و دچار تبعیض‌های عمیق در دسترسی به خدمات عمومی هستند.

فهرست منابع

- احمدخان بیگی، سمانه (1390)، بررسی مصادیق نقض حقوق بشر در کشورهای غربی و اقدامات تروریستی آنان علیه دیگر کشورها (امریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان و رژیم صهیونیستی)، دفتر سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مسلسل 12125.
- بابایی، پویان (1395)، مهم‌ترین مصادیق نقض حقوق بشر توسط امریکا، دفتر سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مسلسل 15112.
- جعفری، علی‌اکبر (1390)، «قدرت‌های بزرگ و نقض رژیم‌های بین‌المللی حقوق بشر»، فصلنامه سیاست خارجی، دوره 25، شماره 3، پاییز 1390.
- خبیری، کابک (1398)، «اقدامات سیستماتیک امریکا در نقض حقوق بین‌المللی و حقوق بشر: مطالعه موردی حمله امریکا به فلوجه و نقض کنوانسیون ژنو»، پژوهشنامه حقوق بشر، سال چهارم، شماره 4، پیاپی 15.
- غفوری، محمود؛ داوند، محمد (1395)، «ارزیابی وضعیت حقوق بشر در نظام نومحافظه‌کاری (مطالعه موردی: ایالات متحده امریکا)»، سیاست دوره، شماره 2.
- غمامی، سید محمدمهدی (1395)، «چالش‌های حقوق بشری و شهروندی در مبارزه با تروریسم (مطالعه موردی نظام حقوقی ایالات متحده امریکا و جمهوری اسلامی ایران)»، فصلنامه آفاق امنیت، شماره 33.
- ABC News/Washington Post Poll: Views of Islam, ABC News, available at http://a.abcnews.go.com/images/US/ht_cordoba_house_100908.pdf.
- Aclu (2018), Give Domestic Violence Survivors Safe Haven, https://action.aclu.org/petition/DVasylum?ms_aff=NAT&initms_aff=NAT&ms=180815_immigrant_rights_DVasylum&initms=180815_immigrantrights_DVasylum&ms_chan=web&initms_chan=web.
- ACLU (2020), Repression of Peaceful Protest, <https://www.aclu.org/issues/free-speech/rights-protesters/repression-peaceful-protest>
- Andrew Goodman (2020), An American Icon Who Dreamed of Justice, <https://andrewgoodman.org/who-we-are/about-andy/>
- Apportionment of the U. S. House of Representatives Based on the Census, 2010, https://web.archive.org/web/20110124045725/http://2010.census.gov/news/pdf/apport2010_map1.pdf.
- Beauchamp, Zack (2020), Trump's new Fox interview shows why he's so terribly unsuited to our moment, Jun12, vox.com.
- Beaumont, Barber (2003), States and Citizens: History, Theory, Prospects, Cambridge

- University Press.
- Border Protection, Anti-terrorism, and Illegal Immigration Control Act (2005).
- Civil Rights Act (1964 & 1957) & (Race & Racial Justice).
- Electronic Surveillance Modernization Act (2006).
- Executive Order 11735.
- Executive Order 13224, signed by President George W. Bush Sept. 23, 2001.
- Hamilton, Alexander (1788), *The Federalist Papers*, No. 68, The Avalon Project, Yale Law School.
- Hamilton, Alexander; Madison, James; Jay, John (1961), *The Federalist Papers: The New American Library*.
- Homeland Security Act (2002, Pub. L. 107-296).
- Human Rights Watch (2020), *Systemic Police Brutality and Its Costs in the United States*, <https://www.hrw.org/report/2020/09/30/kettling-protesters-bronx/systemic-police-brutality-and-its-costs-united-states>.
- Jonas, Steven; Goldsteen, Raymond; Goldsteen, Karen (2007), *An Introduction to the US Health Care System*, Sixth Edition, Springer Publishing Company.
- Joseph, Suad; Nağmābādī, Afsāna (2003), "Encyclopedia of Women & Islamic Cultures", *Family, Body, Sexuality and Health*, Vol. 3, BRILL.
- Kelly, Amita ; Naylor, Brian (2020), *Trump, Hailing Law Enforcement, Signs Executive Order Calling for Police Reform*, June 16, npr.org.
- Lindsay, Brendan C. (2012), *Murder State: California's Native American Genocide, 1846-1873*, U of Nebraska Press.
- Madison, James (1990), *A Century of Lawmaking for a New Nation: U. S. Congressional Documents and Debates, 1774-1875*, Farrand's Records, Vol. 2.
- Madley, Benjamin (2016), *An American Genocide: The United States and the California Indian Catastrophe, 1846-1873*, Yale University Press.
- Mahler, Jonathan; Eder, Steve (2016), *The Electoral College Is Hated by Many. So Why Does It Endure?*, *The New York Times*, November 10.
- Mangino, Matthew T. (2010), *The Executioner's Toll: The Crimes, Arrests, Trials, Appeals, Last Meals, Final Words and Executions of 46 Persons in the United States*, McFarland.
- Military Commissions Act (2006).
- Moore, A. (2017), "American Muslim Minorities: The New Human Rights Struggle", *Human Rights & Human Welfare*, Retrieved February 12.
- Patriot Act (2001).
- Povertyusa (2018): www.povertyusa.org/facts
- Redondo, Raúl (2021), *Four dead and 52 arrested in US Capitol assault*, <https://atalayar.com/en/content/four-dead-and-52-arrested-us-capitol-assault>, 7 January.
- Results for the law of privacy explained [WorldCat.org]. www.worldcat.org.
- Saul, Ben (2020), *Research Handbook on International Law and Terrorism*, Edward Elgar Publishing.
- Schneider, Cathy Lisa (2014), *Police Power and Race Riots: Urban Unrest in Paris and New York*, University of Pennsylvania Press.
- Serrin Turner; Stephen J. Schulhofer. Brennan (2005), *The Secrecy Problem in Terrorism Trials*, Center for Justice at NYU School of Law.
- Smith, Steve (2020), *International Relations Theories: Discipline and Diversity*, Oxford University Press.
- Sriram, Chandra Lekha; Martin-Ortega, Olga, Herman, Johanna (2014), *War, Conflict and*

- Human Rights: Theory and Practice, Routledge.
- The Constitution of the United States (1789).
- The Foreign Intelligence Surveillance Act (1978& Amendments) (FISA).
- The National Emergencies Act (NEA) (Pub. L. 94-412, 90 Stat. 1255, enacted September 14, 1976, codified at 50 U. S. C. § 1601-1651).
- Trump (2020), elections in Afghanistan were “more secure” and “better run”, 26 dec, @tweeter.
- UN, www.treaties.un.org/Pages/ParticipationStatus.aspx?clang=_en
- US Antiterrorism and Effective Death Penalty Act (1996).
- us poverty rate by gender (2020): www.statista.com/statistics/233154/us-poverty-rate-by-gender.
- Voting Rights Act (1965).
- Wilentz, Sean (2019), Opinion: The Electoral College Was Not a Pro-Slavery Ploy, The New York Times, 4April.
- Wood v. Beauclair, 692 F. 3d 1041, 10479th Cir. 2012.
- Zorina Khan (November 20, 2013), The Democratization of Invention: Patents and Copyrights in American Economic Development, 1790-1920, Cambridge University.



